

دوران تدارک و انجام
انقلاب سوسیالیستی اکتبر
﴿٦﴾

* از: آثار منتخب لنین

* در یک جلد

* تجدید چاپ سال ۱۳۵۳ - ۱۹۷۴

* از انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور

* بازنویس: حجت برزگر

* تاریخ: ۱۳۸۴/۰۹/۰۵ (۲۶/۱۱/۲۰۰۵ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

nasim@comhem.se و melh9000@yahoo.com

- توجه: بعد از اتمام مطلب تحت عنوان «نامه باعضاء کمیته مرکزی» این فصل (دوران تدارک...) از کتاب، رساله «دولت و انقلاب» میباشد که جداگانه تحت عنوان «دولت و انقلاب» بازنویسی شده و در ۶ فایل مجزا پخش گردید. مطالب زیرین بعد از خاتمه بخش «دولت و انقلاب» میباشد. حجت. ب

صفحه

فهرست

۱۶	<u>دومین کنگره کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه</u>
۲۵-۲۶	اکتبر (۷-۸ نوامبر) سال ۱۹۱۷
۳	* به کارگران، سربازان و دهقانان!
۳	* سخنرانی در باره صلح ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)
۴	* پایانسخن مربوط به سخنرانی در باره صلح ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)
۸	* سخنرانی در باره زمین. مورخ ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)
۱۱	* سخنرانی در باره زمین. مورخ ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)
۱۶	<u>۱۷- طرح آئین نامه کنترل کارگری</u>
۱۸	<u>۱۸- از طرف کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات (ب) روسیه.</u>
۱۷	به کلیه اعضاء حزب و کلیه طبقات زحمتکش روسیه
۱۹	<u>۱۹- اتحاد کارگران با دهقانان زحمتکش و استثمار شونده.</u>
۲۱	نامه به هیئت تحریریه «پراودا»
۲۳	<u>۲۰- تزه‌های مربوط به مجلس مؤسسان</u>
۲۱	<u>۲۱- طرح فرمان مربوط به اجرای ملی کردن بانکها و اقداماتیکه</u>
۲۷	<u>بدین مناسبت ضروریست</u>
۲۹	* زیرنویس و توضیحات

۱

* بکارگران، سربازان و دهقانان!

دومین کنگره کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه گشایش یافته است. اکثریت عظیم شوراها در آن نماینده دارند. در کنگره عده ای از نمایندگان اعزامی شوراهای دهقانان نیز حضور دارند. دوران اختیارات کمیته اجرائیه مرکزی سازشکار پایان رسید. کنگره، با اتکاء به اراده اکثریت عظیم کارگران، سربازان و دهقانان و با اتکاء به قیام پیروزمندانه کارگران و پادگان پتروگراد، قدرت حاکمه را بدست خود میگیرد.

دولت موقت واژگون شد. اکثریت اعضاء دولت موقت بازداشت شده اند.

حکومت شوروی به تمام ملل صلح دموکراتیک فوری و متارکه فوری در تمام جبهه ها را پیشنهاد خواهد نمود. این حکومت موجبات واگذاری بلاعوض زمینهای ملاکین و املاک تیول و موقوفه دیرها را به اختیار کمیته های دهقانی تأمین خواهد کرد، با دموکراسی نمودن کامل ارتش، از حقوق سربازان دفاع خواهد نمود، تولید را تحت کنترل کارگری قرار خواهد داد، امر دعوت بموقع مجلس مؤسسان را تأمین خواهد کرد، در رساندن غله به شهرها و مایحتاج اولیه به دهات اهتمام خواهد ورزید و حق تمام ملل ساکن روسیه را به تعیین سرنوشت خویش بطور واقعی تأمین خواهد نمود.

کنگره مقرر میدارد: تمام قدرت حاکمه در محل ها به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان که موظف به استقرار نظم انقلابی واقعی هستند منتقل گردد.

کنگره، سربازان در سنگر را به هشیاری و ثبات قدم دعوت مینماید. کنگره شوراها مطمئن است مادامکه حکومت جدید بانعقاد قرارداد یک صلح دموکراتیک، که مستقیماً از طرف وی به تمام ملل پیشنهاد خواهد شد، نائل نیاید، ارتش انقلابی خواهد توانست در مقابل هرگونه سوء قصد امپریالیسم از انقلاب دفاع نماید. حکومت جدید تمام تدابیر را اتخاذ خواهد کرد تا از طریق اجرای سیاست قطعی مصادره و وضع مالیات بر دارائی طبقات ثروتمند کلیه نیازمندیهای ارتش انقلابی را برطرف سازد و وضع خانواده های سربازان را نیز بهبود بخشد.

کورنیلویها - کرنسکی، کالدین و سایرین - میکوشند سپاهیان را به پتروگراد بیاورند. چند واحدی که کرنسکی از راه فریب حرکت داده بود به قیام کنندگان پیوستند.

سربازان، در مقابل کرنسکی کورنیلوی مجدانه مقاومت نمائید! مراقب باشید!
کارگران راه آهن، کلیه قطارهای حامل نفرات و مهمات را که کرنسکی بسوی پتروگراد
میفرستد متوقف سازید!

سربازان، کارگران و کارمندان، - سرنوشت انقلاب و سرنوشت صلح دموکراتیک در دست
شماست!
زنده باد انقلاب!

کنگره کشوری شوراهای نمایندگان
کارگران و سربازان روسیه.
نمایندگان اعزامی شوراهای دهقانان.
مندرجه در شماره ۹ روزنامه «رابوچی ای
سالدات» ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) سال ۱۹۱۷.

۲

* سخنرانی در باره صلح
۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)

مسئله صلح مسئله حاد و دردناک دوره کنونیست. درباره آن مطالب بسیاری گفته و نوشته شده است و ای چه بسا که همه شما هم در اطراف آن کم بحث نکرده باشید. بدینجهت به من اجازه دهید به قرائت اعلامیه ای پردازم که باید دولت برگزیده شما آنرا صادر نماید

فرمان صلح

دولت کارگری و دهقانی که مولود انقلاب ۲۴-۲۵ اکتبر و متکی به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان است، به تمام ملل متحارب و دولتهای آنان پیشنهاد مینماید بیدرنگ مذاکرات در باره صلح عادلانه دموکراتیک را آغاز کنند.
این دولت برآنستکه صلح عادلانه و دموکراتیکی که اکثریت قاطع کارگران و طبقات زحمتکش بی پا شده و رنج دیده و عذاب کشیده از جنگ در تمام کشورهای متحارب عطفشان آند، - صلحی که کارگران و دهقانان روس پس از سرنگون ساختن سلطنت تزاری به صریحترین

و مصرانه ترین طرزی خواستار آن بوده اند، - عبارتست از یک صلح فوری بدون الحاق طلبی (یعنی بدون غصب سرزمینهای دیگران و بدون الحاق جبری اقوام دیگر) و بدون غرامات. دولت روسیه به تمام ملل متحارب انعقاد فوری چنین صلحی را پیشنهاد میکند و خود اظهار آمادگی مینماید بیدرنگ، بدون اندک تأخیر، کلیه اقدامات قطعی را بعمل آورد تا تمام شرایط یک چنین صلحی به تصویب نهائی مجلسهای تام الاختیار نمایندگان مردم همه کشورهای و ملل برسد.

مفهومی که این دولت، بر وفق استنباط حقوقی دموکراسی بطور اعم و بر وفق استنباط حقوقی طبقات زحمتکش بطور اخص، برای الحاق طلبی یا غصب سرزمینهای دیگران قائل است، عبارتست از هرگونه ملحق ساختن اقوام کوچک یا ضعیف به کشور بزرگ یا قوی بدون اینکه موافقت و تمایل این ملیت بطور دقیق و واضح و داوطلبانه اظهار شده باشد، اعم از اینکه این الحاق جبری در چه زمانی انجام گرفته باشد و نیز اعم از اینکه ملتی که بزور آنرا ملحق نموده یا در درون مرزهای کشوری نگاهداشته اند، تا چه حد رشد یافته یا عقب مانده باشد و بالاخره اعم از اینکه این ملت در اروپا زندگی کند یا در کشورهای دور افتاده ماوراء اقیانوس.

هرگاه ملتی را، اعم از اینکه هر ملتی باشد، بزور در درون مرزهای کشوری نگاهداشته باشند و هرگاه علی رغم تمایلی که از طرف وی ابراز شده است - اعم از اینکه این تمایل در مطبوعات، یا مجلسهای ملی و ضمن تصمیمات احزاب ابراز شده باشد و یا بوسیله عصیان و قیام برضد بیدادگری ملی، - باین ملت حق داده نشود از طریق انتخابات آزاد و در شرایطی که سپاهیان ملت الحاقگر یا بطور کلی ملت قویتر، کاملاً سرزمین ویرا تخلیه کرده باشند، بدون کوچکترین اجباری مسئله مربوط به شکلهای موجودیت دولتی خود را حل نماید، آنگاه الحاق چنین ملتی الحاق طلبی، یعنی غصب و اعمال زور است.

ادامه این جنگ بخاطر اینکه چگونه ملت‌های نیرومند و ثروتمند اقوام ضعیفی را که بزور منقاد خود ساخته اند بین خود تقسیم کنند، بنظر این دولت بزرگترین جنایات برضد نوع بشر محسوب میگردد و لذا ایندولت رسماً عزم راسخ خود را به امضای فوری آنچه شرایط صلحی ابراز میدارد که این جنگ را به موجب شرایط فوق الذکر که برای همه اقوام بدون استثناء بیک اندازه عادلانه است، موقوف نماید.

در عین حال این حکومت اظهار میدارد که بهیچوجه برای شرایط فوق الذکر صلح جنبه اتمام حجت قائل نیست، یعنی موافقت دارد هرگونه شرایط دیگری را نیز برای صلح مورد بررسی قرار دهد و فقط اصرار دارد که شرایط مزبور از طرف هر کشور متحاربی هم که باشد هر چه زودتر و با نهایت وضوح پیشنهاد شود و از هرگونه دو پهلونی و سری بودن بطور قطع

عاری باشد.

این دولت دیپلوماسی سرّی را لغو میسازد و عزم راسخ ابراز میدارد که تمام مذاکرات را بطور کاملاً آشکار در برابر تمام مردم بعمل آورد و بیدرنگ به انتشار کامل آن قراردادهای سری بپردازد که حکومت ملاکین و سرمایه داران از فوریه تا ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ آنها را تأیید کرده و یا خود منعقد نموده است. دولت تمام مفاد این قراردادهای سری را، در حدودیکه هدف آنها واگذاری منافع و امتیازاتی به ملاکین و سرمایه داران روس و نگاهداری یا بسط سرزمین های تحت اشغال ولیکاروسهاست، چنانکه در اکثر موارد چنین بوده است، بیچون و چرا و بیدرنگ ملغی اعلام میدارد.

این دولت، ضمن آنکه به تمام دول و ملل همه کشورهای پیشنهاد میکند بیدرنگ درباره انعقاد صلح به مذاکرات علنی بپردازند، از جانب خود ابراز آمادگی مینماید که این مذاکرات را خواه بوسیله ارتباط کتبی و تلگرافی و خواه از طریق مذاکرات بین نمایندگان کشورهای مختلف یا در کنفرانس چنین نمایندگانی، عملی سازد. دولت، برای تسهیل اجرای چنین مذاکراتی، نماینده مختاری از خود در کشورهای بیطرف تعیین مینماید.

این دولت به تمام دول و خلق های تمام کشورهای متحارب پیشنهاد میکند بیدرنگ قرارداد متارکه منعقد کنند و ضمناً از جانب خود مطلوب می شمارد که طول ملت این متارکه کمتر از ۳ ماه نباشد، یعنی برای مدتی باشد که طی آن، هم اتمام مذاکرات صلح با شرکت بدون استثناء تمام اقوام یا مللی که بجنگ کشانده شده و یا مجبور به شرکت در آن شده اند، کاملاً امکان پذیر است و هم دعوت مجالس تام الاختیاری از نمایندگان مردم تمام کشورها بمنظور تصویب نهائی شرایط صلح.

دولت موقت کارگری و دهقانی روسیه در همانحال که این پیشنهاد صلح را به دولتها و خلقهای تمام کشورهای متحارب مینماید، در عین حال روی سخنش بویژه با کارگران آگاه سه ملت از پیشروترین ملل بشری و سه کشور از بزرگترین کشورهای شرکت کننده در جنگ کنونی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان است. کارگران این کشورها بزرگترین خدمات را به امر ترقی و سوسیالیسم نموده اند و گواه آن نمونه های با عظمت جنبش چارتیست در انگلستان، یک سلسله انقلابهای دارای اهمیت جهانی - تاریخی که بتوسط پرولتاریای فرانسه انجام گرفته و بالاخره مبارزه قهرمانانه برضد قانون فوق العاده در آلمان و فعالیت طولانی و سرسخت و از روی انضباطی است که در راه ایجاد سازمانهای توده ای پرولتاری در آلمان انجام گرفته و برای کارگران تمام جهان میتواند سرمشق قرار گیرد. تمام این نمونه های قهرمانی پرولتاری و خلاقیت تاریخی برای ما در حکم وثیقه آنستکه کارگران کشورهای نامبرده به وظایفی که اکنون در مورد رهائی بشر از قید دهشتهای جنگ و عواقب آن برعهده دارند، پی خواهند برد و با

فعالیت همه جانبه و قطعی و جدیت فداکارانه خود به ما یاری خواهند نمود تا امر صلح و بهمهراه آن امر رهائی توده های زحمتکش و استثمار شونده اهالی را از قید هرگونه بردگی و هرگونه استثمار، کامیابانه بسرانجام خود برسانیم.

دولت کارگری و دهقانی که مولود انقلاب ۲۴-۲۵ اکتبر و متکی به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان است، باید بیدرنگ مذاکرات صلح را آغاز نماید. پیام ما باید هم متوجه دولتها باشد و هم متوجه خلقها. ما نمیتوانیم دولتها را نادیده انگاریم، زیرا در آنصورت امکان انعقاد صلح بتعویق میافتد و حکومت خلقی حق این کار را ندارد، ولی ما در عین حال بهیچوجه حق نداریم که خلقها را نیز مخاطب قرار ندهیم. همه جا میان دولتها و خلقها جدائی است و لذا ما باید به خلقها کمک کنیم در مسائل جنگ و صلح دخالت نمایند. ما، البته، با کلیه قوا از تمام برنامه خود در باره صلح بدون الحاق طلبی و غرامت دفاع خواهیم کرد. ما از این برنامه عدول نخواهیم کرد. ولی باید این امکان را از دشمنان خود سلب نمائیم یعنی نگذاریم بگویند شرایط آنها شرایط دیگریست و بدینجهت فایده ای ندارد با ما وارد مذاکره شوند. خیر، ما باید آنها را از این وضع مزیت آمیز محروم سازیم و شرایط خود را اتمام حجت وار طرح نکنیم. بهمین جهت هم اصلی قید شده است حاکی از اینکه ما هرگونه شرایطی را در باره صلح و هرگونه پیشنهادی را بررسی خواهیم کرد. بررسی کردن معنایش پذیرفتن نیست. ما این شرایط را در معرض بحث مجلس مؤسسان قرار خواهیم داد و این مجلس مختار خواهد بود تصمیم بگیرد چه چیز را میتوان گذشت نمود و چه چیز را نمیتوان. ما علیه اغواگری دولتها که در گفتار همه دم از صلح و عدالت میزنند ولی در کردار به جنگهای اشغالگرانه و غارتگرانه مشغولند مبارزه میکنیم. هیچ دولتی تمام آنچه را که فکر میکند نخواهد گفت. و حال آنکه ما مخالف دیپلوماسی سری هستیم و در برابر تمام مردم آشکارا عمل خواهیم نمود. ما در برابر دشواریها چشم نمی بندیم و نبسته ایم. جنگ را بصرف امتناع و از یک طرف نمیتوان پایان داد. ما پیشنهاد متارکه سه ماهه میکنیم ولی متارکه ای را هم که برای مدت کوتاه تری باشد رد نمیکنیم تا ارتش رنج کشیده بتواند اقلا برای مدتی نفسی براحتی بر آورد. علاوه بر این باید در تمام کشورهای متمدن مجلسهائی از مردم تشکیل شود تا شرایط صلح را مورد بررسی قرار دهند.

ما در عین اینکه پیشنهاد میکنیم بیدرنگ قرارداد متارکه منعقد گردد به کارگران آگاه کشورهائی خطاب میکنیم که برای تکامل جنبش پرولتاری خیلی کارها انجام داده اند. بهمین جهت هم ما به کارگران انگلستان خطاب میکنیم که جنبش چارتیست در آنجا روی داده است،

بهمین جهت هم ما به کارگران فرانسه خطاب میکنیم که بارها ضمن قیام نیروی شعور طبقاتی خود را بتمام معنی نشان داده اند و نیز به کارگران آلمان خطاب میکنیم که مبارزه علیه قانون مربوط به سوسیالیستها را متحمل شده و سازمانهای نیرومندی بوجود آورده اند. در بیانیه ۱۴ مارس، ما پیشنهاد سرنگون ساختن بانکداران را می کردیم، ولی خودمان بانکدارهای خود را نه تنها سرنگون نساختیم، بلکه حتی با آنها داخل اتحاد شدیم. اکنون ما دولت بانکداران را سرنگون ساخته ایم.

دولت و بورژوازی تمام مساعی خود را بکار خواهند برد تا متحد شوند و انقلاب کارگری و دهقانی را در خون غرقه سازند. ولی سه سال جنگ بحد کافی توده ها را تعلیم داده است. جنبش شورائی در سایر کشورها و قیام ناوگان آلمان که بدست یونکرهای ویلهلم جلاد سرکوب گردید. سرانجام نباید فراموش نمود که ما در اعماق آفریقا زندگی نکرده بلکه در اروپا زندگی میکنیم که در آن ممکنست همه چیز بزودی معلوم گردد.

جنبش کارگری فائق خواهد آمد و راه صلح و سوسیالیسم را خواهد گشود. (کف زندهای طولانی و خاموشی ناپذیر).

مندرجه در روزنامه «ایزوستیای کمیته اجرائیه مرکزی»
شماره ۲۰۸، ۲۷ اکتبر سال ۱۹۱۷ و روزنامه «پراودا»،
شماره ۱۷۱، ۱۰ نوامبر (۲۸ اکتبر) سال ۱۹۱۷.

۳

* پایانسخن مربوط به سخنرانی در باره صلح

۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)

من به جنبه عمومی بیانیه نخواهم پرداخت. دولتی که کنگره شما بوجود خواهد آورد، میتواند تغییراتی هم در مواد غیر اساسی وارد سازد.

من جداً با اینموضوع مخالفت خواهم کرد که خواست ما در باره صلح لحن اتمام حجت داشته باشد. لحن اتمام حجت ممکنست در تمام کار ما تأثیر هلاکتباری بخشد. ما نمیتوانیم با توقع خود در باره اینکه گذشت ناچیزی هم نسبت به خواستهای ما نشود، به دول امپریالیستی امکان بدهیم بگویند: بعلت آشتی ناپذیری ما مذاکره در اطراف صلح میسر نشد. ما پیام خود را به همه جا خواهیم فرستاد و همه از آن آگاه خواهند شد. کتمان شرایطی

که دولت کارگری - دهقانی ما طرح کرده غیرممکن است.
نمی‌توان انقلاب کارگری - دهقانی ما را که حکومت بانکداران و ملاکان را سرنگون ساخته است، مکتوم داشت.

در صورت وجود لحن اتمام حجت، دولتها میتوانند بدان پاسخی ندهند ولی با طرزی که ما خواهیم نگاشت، آنها مجبور بدادن پاسخ خواهند بود. بگذار هر کسی بداند حکومتش چه فکر میکند. ما خواهان اسرار نیستیم. ما خواهیم که دولت همیشه تحت کنترل افکار عمومی کشور خود باشد.

اگر دهقان فلان استان دور افتاده در نتیجه لحن اتمام حجت ما نداند که فلان دولت خواهان چیست، آنوقت این دهقان به ما چه خواهد گفت، او خواهد گفت: رفقا، چرا شما امکان پیشنهادهای مربوط به هرگونه شرایط صلح را نفی نمودید. من این شرایط را مورد بحث قرار میدادم، از نظر میگذراندم و سپس به نمایندگان خود در مجلس مؤسسان دستور میدادم چگونه رفتار نمایند. اگر دولتها موافقت نکنند، آنگاه من حاضرم از طریق انقلابی برای شرایط عادلانه پیکار کنم، ولی ممکنست برای برخی از کشورها شرایطی وجود داشته باشد که من حاضر باشم باین دولتها پیشنهاد کنم خودشان مبارزه را ادامه دهند. اجرای کامل اندیشه های ما فقط منوطست به سرنگونی تمام رژیم سرمایه داری. اینست آنچه که دهقان ممکنست به ما بگوید. او ما را متهم خواهد نمود که حتی در جزئیات نیز بی گذشتی زیاده از حدی نشان داده ایم و حال آنکه موضوع عمده برای ما اینستکه تمام دنائت و رذالت بورژوازی و جلادان تاجدار و بی تاج آنرا که در رأس حکومت قرار دارند برملا سازیم.

ما حق نداریم و نباید به دولتها امکان دهیم بی گذشتی ما را وسیله ای برای استتار خود قرار دهند و از ملل خود پنهان دارند که چرا آنها را به کشتارگاه میفرستند. این در حکم قطره ایست، ولی ما حق نداریم و نباید از این قطره که سنگ غاصبیت بورژوازی را میساید، چشم بپوشیم. لحن اتمام حجت موجب تسهیل وضع مخالفین ما خواهد شد. ولی ما تمام شرایط را به مردم نشان خواهیم داد. ما تمام دولتها را در برابر شرایط خود قرار خواهیم داد و آنگاه بگذار آنها به مردم خود جواب بدهند. ما تمام پیشنهادهای صلح را برای اتخاذ تصمیم به مجلس مؤسسان خواهیم داد.

نکته دیگری هم هست که شما رفقا باید عمیقاً بدان توجه نمائید. قراردادهای سری باید منتشر گردند. مواد مربوط به الحاق طلبی و غرامات باید لغو گردند. ولی مواد با یکدیگر متفاوتند رفقا، - زیرا دول غارتگری تنها در باره غارت سازش نمیکردند، بلکه سازش های اقتصادی و مواد گوناگون دیگری درباره مناسبات حسن همجواری را نیز ضمن چنین سازشهایی می‌گنجاندند.

ما با قراردادهای دست و پای خود را نمی‌بندیم. ما اجازه نخواهیم داد با قراردادهای ما را بدام اندازند. ما تمام مواد مربوط به غارتگری و زورگوئی را رد میکنیم ولی تمام موادیرا که در آنها شرایط حسن همجواری و سازش های اقتصادی قید شده است بطیب خاطر خواهیم پذیرفت و نمیتوانیم آنها را رد کنیم. ما متارکه را برای مدت سه ماه پیشنهاد مینمائیم و مدت را هم طولانی انتخاب میکنیم زیرا ملتها خسته شده اند و عطشان استراحت از این کشتار خونینی هستند که اکنون چهارمین سالست ادامه می یابد. ما باید این نکته را درک کنیم که لازمست ملتها شرایط صلح را مورد بحث قرار دهند و اراده خود را با شرکت پارلمان بیان دارند و برای اینکار باید مهلت داده شود. بدینجهت ما خواستار متارکه طولانی هستیم تا ارتش بتواند در سنگرهای خود از این کابوس آدمکشی دائمی راحتی یابد، ولی ما پیشنهادهای مربوط به متارکه های کوتاه مدت تر را نیز رد نمیکنیم، ما این پیشنهادها را بررسی خواهیم کرد و مجبور خواهیم بود آنها را بپذیریم، حتی اگر به ما پیشنهاد متارکه یکماهه یا یک ماه و نیمه بکنند. پیشنهاد ما در باره متارکه نیز نباید لحن اتمام حجت داشته باشد، زیرا ما بدشمنان خود امکان نخواهیم داد آشتی ناپذیری ما را وسیله ای برای استتار خود قرار دهند و تمام حقیقت را از خلقها پوشیده دارند. این پیشنهاد نباید لحن اتمام حجت داشته باشد، زیرا دولتی که مایل به متارکه نباشد تبهکار است، ولی اگر ما به پیشنهاد خود در باره متارکه لحن اتمام حجت ندهیم، آنگاه بدینوسیله دولت ها را وادار خواهیم نمود در برابر انظار مردم خود تبهکار شوند و نسبت به چنین تبهکارانی هم مردم با تعارف رفتار نخواهند کرد. به ما معترضانه می گویند اگر پیشنهاد ما لحن اتمام حجت نداشته باشد حمل بر ناتوانی ما خواهد شد، ولی دیگر وقت آن رسیده است که هرگونه کذب بورژواها را در مورد نیروی مردم بدور اندازیم. طبق تصورات بورژوائی نیرو زمانی وجود دارد که توده ها کورکورانه به کشتارگاه میروند و از فرمان دول امپریالیستی اطاعت میکنند. بورژوازی تنها زمانی دولت را نیرومند میداند که دولت بتواند با تمام توانائی دستگاه دولتی، توده ها را به هر جا که میل زمامداران بورژوازی اقتضا نماید، پرتاب کند. ولی استنباط ما از نیرومندی بجز اینست. به تصور ما نیرومندی دولت در آگاهی توده هاست. دولت زمانی نیرومند است که توده ها از همه چیز مطلعند. در باره همه چیز میتوانند قضاوت کنند و آگاهانه برای هر کاری حاضرند. هیچ علتی ندارد که ما از گفتن حقیقت درباره خستگی بترسیم، زیرا چه کشوریست که اکنون خسته نشده باشد و چه ملتی است که اکنون آشکارا در این باره سخن نگوید؟ مثلاً ایتالیا را برداریم که سبب این خستگی در آنجا جنبش انقلابی دراز مدتی وجود داشت که طلب میکرد کشتار قطع گردد. مگر در آلمان تظاهرات توده ای از طرف کارگران برپا نمیشود و در این تظاهرات شعارهای موقوف شدن جنگ را نمیدهند؟ مگر

علت قیام ناوگان دریائی آلمان، که با بیرحمی تمام از طرف ویلهلم جلا و چاکرانس سرکوب گردید، خستگی نبود؟ وقتی در کشور با انضباطی نظیر آلمان که در آن شروع بزمزمه در باره خستگی و موقوف نمودن جنگ کرده اند، چنین حوادثی امکان پذیر باشد، آنگاه هیچ علتی برای ترس نیست اگر ما نیز در همین باره آشکارا سخن گوئیم، زیرا این حقیقتی است که هم برای ما و هم برای تمام کشورهای محارب و حتی غیر محارب بنحو یکسانی صادق است.

«پراودا»، شماره ۱۷۱، ۱۰ نوامبر

(۲۸ اکتبر) سال ۱۹۱۷.

۴

* سخنرانی در باره زمین، مورخ

۲۶ اکتبر (۸ نوامبر)

ما برآنیم که انقلاب ثابت کرده و نشان داده است که طرح صریح مسئله زمین تا چه اندازه حائز اهمیت است. بروز قیام مسلحانه، انقلاب دوم یعنی انقلاب اکتبر بروشنی ثابت میکند که زمین باید به دهقانان واگذار گردد. دولت سرنگون شده و احزاب سازشکار منشویک و اس ارها مرتکب جنایت میشدند که به بهانه های مختلف حل مسئله زمین را بتعویق میانداختند و بدینسان کشور را به فرو پاشیدگی و قیام دهقانی کشاندند. سخنان آنها درباره تالان ها و هرج و مرج در ده کذب و فریب جبونانه است. کجا و کی اقدامات عقلانی موجب تالانگری و هرج و مرج بوده است؟ اگر دولت عاقلانه رفتار میکرد و هدف اقداماتش رفع نیازمندیهای تهیدستان روستا بود، آنگاه مگر توده دهقانی ممکن بود آغاز طغیان گذارد؟ ولی تمام اقدامات دولت که مورد تصدیق شوراها و آوکسنتیف و دان، قرار میگرفت علیه دهقانان متوجه بود و لذا آنها را به قیام وادار ساخت.

دولت پس از اینکه موجب قیام شد به داد و فریاد درباره تالانگری و هرج و مرج پرداخت که خود موجب گردیده بود. دولت میخواست قیام را با آهن و آتش سرکوب نماید ولی خود بوسیله قیام مسلحانه سربازان، نوایان و کارگران انقلابی سرنگون گردید. دولت انقلاب کارگری - دهقانی در نخستین وهله باید مسئله زمین را حل کند، - مسئله ای که میتواند توده های عظیم تهیدستان روستا را آرام و راضی نماید. من موادی از فرمانی را که دولت شوروی شما باید صادر کند، برای شما میخوانم. در یکی از مواد این فرمان دستورنامه ای خطاب به کمیته

های ارضی درج است که بر اساس ۲۴۲ دستورنامهٔ واصله از شوراهای محلی نمایندگان دهقانان تنظیم شده است.

فرمان در بارهٔ زمین

- ۱) مالکیت اربابی بر زمین بیدرنگ و بدون بازخرید لغو میگردد.
- ۲) املاک اربابی و نیز تمام زمین های تیول، موقوفات دیرها و کلیساها با تمام دامها و ابزار کار و ساختمانهای اربابی و تمام متعلقات آنها، تا زمانیکه مجلس مؤسسان تشکیل شود، در اختیار کمیته های ارضی بخش و شوراهای ولایتی نمایندگان دهقانان گذارده میشود.
- ۳) هرگونه تضييع اموال مشمول ضبط که از هم اکنون به تمام مردم تعلق دارد جنایت فجیع شناخته میشود و مرتکبین آن در دادگاه انقلابی به کیفر میرسند. شوراهای ولایتی نمایندگان دهقانان، تمام تدابیر لازم را اتخاذ می کنند تا به هنگام ضبط املاک اربابی اکیدترین نظمها مراعات شود و نیز تعیین گردد چه میزانی از قطعات و کدامیک از قطعات زمین باید ضبط شود، از تمام دارائی مشمول ضبط صورت دقیقی برداشته شود و کلیه اقتصاد ارضی که به مالکیت مردم در آمده است با تمام ساختمانها، ابزار، دامها، ذخایر محصولات و غیره بنحوی هر چه مؤکدتر تحت حراست انقلابی قرار گیرد.
- ۴) در اجرای اصلاحات عظیم ارضی، تا زمانیکه مجلس مؤسسات در این باره تصمیم قطعی اتخاذ نماید، باید در همه جا دستورنامهٔ دهقانی زیرین رهنمون عمل قرار گیرد، که بر اساس ۲۴۲ دستورنامهٔ دهقانی واصله از محل ها، بتوسط هیئت تحریریهٔ روزنامه «ایزوستیای شورای کشوری نمایندگان دهقانان روسیه» تنظیم شده و در شمارهٔ ۸۸ این روزنامه منتشر گردیده است (پتروگراد، شمارهٔ ۸۸، ۱۹ اوت سال ۱۹۱۷).
- ۵) زمینهای دهقانان زحمتکش و قزاقهای زحمتکش ضبط نمیشود.

دستورنامهٔ دهقانی در بارهٔ زمین

«مسئله زمین بمعنای وسیع کلمه، فقط میتواند بتوسط مجلس مؤسسان همه خلقی حل شود.

عادلانه ترین شیوهٔ حل مسئلهٔ زمین باید به نحو زیرین باشد:

۱) حق مالکیت خصوصی بر زمین برای همیشه لغو میشود:

زمین را نمیتوان نه خرید و فروش نمود. نه به اجاره و رهن داد و نه بشیوهٔ دیگری از خود

منتزع ساخت.

تمام زمینها اعم از دولتی، تیول، سلطنتی، موقوفات دیرها، کلیساها، زمینهای پوسیون و ماژورات (۲۴۶) زمینهای مفروز و مشاع و دهقانی و غیره بدون بازخرید منتزع می گردند. این زمینها به مالکیت عموم مردم در می آید و در معرض استفاده تمام زحمتکشان قرار میگیرد. به کسانی که مشمول این تحول مالکیت می شوند فقط طی مدتی که برای دمسازی آنان با شرایط نوین زندگی لازمست، حق استفاده از حمایت اجتماعی داده میشود.

۲) تمام ذخائر زیرزمینی: معدنیات نفت، زغال، نمک و غیره و نیز جنگلها و آبهای که دارای اهمیت کشوری باشند، مورد استفاده منحصر بفرود دولت قرار میگیرند. تمام رودخانه های کوچک، دریاچه ها و جنگلهای کوچک و غیره در اختیار آبشین ها * * آبشین - نام کمونهای روستائی. مترجم * گذاشته میشود، بشرط اینکه امور آنها بتوسط ارگانهای محلی خودمختار اداره شود.

۳) قطعه زمینهایی که با شیوه فنی عالی بهره برداری میشوند از قبیل: باغها، مزارع آزمایشی، نشاگاهها، نهالستانها، گرمخانه ها و غیره مشمول تقسیم نخواهند بود، بلکه به آنها جنبه نمونه ای داده خواهد شد و بر حسب وسعت و اهمیت خود مورد استفاده منحصر به فرد دولت یا آبشین ها قرار خواهند گرفت.

زمینهای مجاور خانه ها در شهرها و دهات با باغها و جالیزهای خانگی در استفاده صاحبان فعلی باقی خواهد ماند و ضمناً وسعت قطعات و میزان مالیات بر استفاده از آنها از طریق قانونگذاری معین میگردد.

۴) ایلخی ها و مؤسسات دامپروری و طیورداری و غیره که به دولت یا چادرنشینان متعلق است ضبط میشوند و به مالکیت عموم مردم در می آیند و بسته به میزان و اهمیت خود یا در اختیار منحصر دولت گذاشته میشوند و یا در اختیار آبشین ها.

موضوع باز خرید در مجلس مؤسسان مورد بررسی قرار گیرد.

۵) تمام متعلقات کشاورزی زمینهای ضبط شده، اعم از دامها یا ابزار، بسته به میزان و اهمیت آنها، بدون بازخرید در اختیار منحصر دولت یا آبشین ها گذاشته میشود.

ضبط متعلقات کشاورزی شامل دهقانان کم زمین نمیشود.

۶) حق استفاده از زمین به تمام افراد کشور روسیه (اعم از زن و مرد) که مایل باشند با کار خود و به کمک خانواده خود و یا با اشتراک زمین را زراعت نمایند، داده میشود، ولی فقط تا زمانی که توانائی زراعت زمین را داشته باشند. استفاده از کار مزدوری مجاز نیست. در صورت ناتوانی اتفاقی یکی از اعضاء آبشین روستائی در طول مدت دو سال، آبشین موظف است تا اعاده قدرت کار این عضو، طی مدت مزبور از طریق زراعت اجتماعی زمین به وی کمک کند.

زارعینی که، در نتیجه پیری یا نوانی، برای همیشه امکان زراعت زمین را شخصاً از دست داده باشند، حق استفاده از زمین را از دست میدهند ولی در عوض از دولت مدد معاش دریافت میدارند.

۷) استفاده از زمین باید بطور برابر انجام گیرد یعنی زمین برحسب شرایط محل و میزان کار یا مصرف، بین زحمتکشان تقسیم می گردد.

شکلهای استفاده زمین باید کاملاً آزاد باشد، خانواری، خوتوری، آبشینی، آرتلی بسته باینکه در هر ده و قصبه ای چگونه تصمیم گرفته شود.

۸) تمام زمین، پس از انتزاع جزو ذخیره ارضی همه خلق میگردد. تقسیم آن بین زحمتکشان تحت نظر ارگانهای خودمختاری محلی و مرکزی انجام میگردد: از آبشینهای روستائی و شهری غیر صنفی که از طریق دموکراتیک تشکیل شده باشند گرفته تا مؤسسات ایالتی مرکزی. ذخیره ارضی، بسته به افزایش جمعیت و ارتقاء بهره دهی و شیوه بهره برداری کشاورزی بطور ادواری مورد تجدید تقسیم قرار میگردد.

در صورت تغییر مرز قطعات زمین میزان اولیه قطعه زمین باید محفوظ بماند.

زمین اعضاء از صف خارج شده بذخیره ارضی باز میگردد. و ضمناً حق تقدم در دریافت زمین اعضاء از صف خارج شده با نزدیکترین بستگان آنها و یا افرادی خواهد بود که خود از صف خارج شدگان معین کرده باشند.

ارزش کودیکه به زمین داده شده و اصلاحاتی (بهبود اساسی) که در زمین انجام گرفته است، چنانچه بهنگام بازگرداندن قطعه زمین بذخیره ارضی، مورد استفاده قرار نگرفته باشد، باید پرداخت شود.

هرگاه در نقاطی ذخیره ارضی موجود برای رفع نیازمندی تمام اهالی محل کفایت نکند، عده اضافی اهالی باید به محل دیگر منتقل شوند.

فراهم نمودن وسائل این انتقال و نیز هزینه آن و تأمین ابزار و غیره را باید دولت بعهده

گیرد.

انتقال به ترتیب زیر انجام میگیرد: ابتدا دهقانان بی زمین داوطلب، سپس اعضاء فاسد آبخین، فراریان و غیره و بالاخره برحسب قرعه یا به تراضی».

تمام مفاد این دستورنامه، که مبین اراده بیچون و چرای اکثریت عظیم دهقانان آگاه سراسر روسیه است، قانون موقتی اعلام میگردد و تا هنگام تشکیل مجلس مؤسسان حتی الامکان بیدرنگ و قسمتهای معین آن با تدریج لازمی، که باید بتوسط شوراها و ولایتی نمایندگان و دهقانان تعیین گردد، به موقع اجرا گذاشته میشود.

اینجا صداهائی شنیده میشود که میگویند خود این فرمان و دستورنامه بتوسط سوسیال – رولوسیونرها تنظیم شده است. بگذار چنین باشد. مگر تفاوتی دارد که بتوسط چه کسی تنظیم شده است، ولی ما بعنوان یک حکومت دموکراتیک، نمیتوانیم تصویبنامه توده های پائین مردم را نادیده انگاریم، ولو اینکه با آنها موافق هم نباشیم. خود دهقانان در آتش زندگی، با بکار بستن این فرمان در عمل و با اجرای آن در محل های خود، به حقیقت پی خواهند برد. و حتی اگر دهقانان در آتیه نیز از سوسیالیست رولوسیونرها پیروی کنند و حتی اگر در مجلس مؤسسان هم به این حزب اکثریت بدهند، در اینصورت هم ما خواهیم گفت: بگذار چنین باشد. زندگی – بهترین آموزگار است و معلوم خواهد کرد حق بجانب کیست، بگذار دهقانان از یکجانب و ما از جانب دیگر به حل این مسئله پردازیم. زندگی ما را وادار خواهد کرد در سیلاب عمومی خلاقیت انقلابی و در تنظیم شکلهای نوین دولتی با یکدیگر نزدیک شویم. ما باید از زندگی پیروی کنیم و باید بتوده های مردم آزادی کامل خلاقیت بدهیم. حکومت سابق که با قیام مسلحانه سرنگون گردید، میخواست مسئله ارضی را به کمک بوروکراسی دست نخورده قدیمی تزاری حل کند. ولی بوروکراسی بجای حل مسئله فقط علیه دهقانان مبارزه میکرد. دهقانان طی انقلاب هشت ماهه ما چیزهائی آموخته اند و میخواهند تمام مسائل مربوط به زمین را خودشان حل کنند. بدینجهت ما با هرگونه تغییری در این لایحه قانونی مخالفت میکنیم، ما نمیخواهیم وارد جزئیات شویم، زیرا فرمان مینویسیم نه برنامه عمل. روسیه کشوریست عظیم و دارای شرایط محلی گوناگون؛ ما ایمان داریم که دهقانان، خود بهتر از ما خواهند توانست مسئله را صحیحاً و بطور باید و شاید حل کنند. کنه مطلب در این نیست که این طرز حل مطابق روح برنامه ما باشد یا برنامه اس ارها. کنه مطلب در اینستکه دهقانان اطمینان راسخ حاصل نمایند که دیگر در ده ملاک وجود ندارد، لذا بگذار خودشان تمام مسائل را حل کنند و خود، زندگی خود را ترتیب دهند. (کف زندهای پرشور.)

مندرجه در روزنامه «ایزوستیای کمیته اجرائیه مرکزی»،
شماره ۲۰۹، ۲۸ اکتبر ۱۹۱۷ و روزنامه «پراودا»،
شماره ۱۷۱، ۱۰ نوامبر (۲۸ اکتبر) سال ۱۹۱۷.

۱۷- طرح آئین نامه کنترل کارگری

۱. در کلیه بنگاههای صنعتی، بازرگانی، بانکی، کشاورزی و غیره که تعداد کارگران و کارمندان آنها (جمعاً) کمتر از ۵ نفر نباشد یا دادوستد آنها سالیانه کمتر از ده هزار روبل نباشد، تولید، حفاظت و خرید و فروش کلیه محصولات و مواد خام تحت کنترل کارگری قرار میگیرد.

۲. کنترل کارگری را کلیه کارگران و کارمندان هر بنگاه یا مستقیماً انجام میدهند، در صورتیکه بنگاه چنان کوچک باشد که این امر را میسر گرداند، یا بتوسط نمایندگان منتخب خود که باید بیدرنگ در جلسات عمومی با تنظیم صورتمجلس انتخاب گردند و اسامی انتخاب شدگان به دولت و شوراهای محلی نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان اطلاع داده شود.

۳. بدون اجازه نمایندگان منتخب از بین کارگران و کارمندان، متوقف ساختن بنگاه یا تولید دارای اهمیت کشوری (رجوع شود به بند هفتم) و نیز هرگونه تغییری در جریان آن بی چون و چرا قدغن میگردد.

۴. برای این نمایندگان منتخب باید بدون استثناء کلیه دفاتر و اسناد و نیز بدون هیچگونه استثناء کلیه انبارها و مخازن مواد و ابزار و محصولات مفتوح باشد.

۵. تصمیمات کارگران و کارمندان برای صاحبان بنگاهها حتمی است و فقط اتحادیه های حرفه ای و کنگره های آن میتوانند آنها را لغو کنند.

۶. در کلیه بنگاههای دارای اهمیت کشوری کلیه صاحبان و کلیه نمایندگان منتخب کارگران و کارمندان که برای اجرای کنترل کارگری انتخاب شده اند، در مقابل دولت مسئول حفظ مؤکدترین انتظامات و انضباط و محافظت اموال، شناخته میشوند. کسانی که در این امر مرتکب سهل انگاری گردند و ذخایر و صورت حساب ها و غیره را پنهان دارند، مورد کیفر قرار گرفته، کلیه اموالشان ضبط میشود و خودشان تا ۵ سال به زندان محکوم میگردند.

۷. کلیه بنگاههایی که برای دفاع کار میکنند و نیز بنگاههایی که بنحوی از انحاء با تولید محصولات ضروری برای معیشت قاطبه اهالی مربوط باشند، بنگاههای دارای اهمیت کشوری شناخته میشوند.

۸. مقررات مشروح تر کنترل کارگری بتوسط شوراهای محلی نمایندگان کارگران و

کنفرانسهای کمیته های کارخانه ها و فابریک ها و همچنین کمیته های کارمندان و جلسات عمومی نمایندگان آنان تعیین خواهد شد.

تاریخ نگارش: بین ۲۶ و ۳۱ اکتبر
(۸ و ۱۳ نوامبر) سال ۱۹۱۷.
تاریخ انتشار: ۱۶-۳ نوامبر ۱۹۱۷
در روزنامه «پراودا»، شماره ۱۷۸.

۱۸- از طرف کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات (ب) روسیه

به کلیه اعضاء حزب و کلیه طبقات زحمتکش روسیه

رفقا!

همه میدانند که در دومین کنگره کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه اکثریت نمایندگان از حزب بلشویک ها بود. این فاکت برای پی بردن به انقلابی که تازه بوقوع پیوسته و خواه در پتروگراد و مسکو و خواه در سراسر روسیه پیروز گردیده یک فاکت اساسی است. همانا این فاکت است که از طرف تمام هواداران سرمایه داران و دستیاران ناآگاه آنها که به اصل اساسی انقلاب نوین یعنی تمام قدرت بدست شوراهای لطمه میزنند دائماً فراموش میگردد و نادیده گرفته میشود. در روسیه دولت دیگری بجز دولت شوروی نباید وجود داشته باشد. در روسیه قدرت حاکمه شوروی بکف آمده است و انتقال حکومت از دست یک حزب شوروی بدست حزب دیگر عملی است که بدون هیچ انقلاب، با تصمیم ساده شوراهای، و با عمل ساده تجدید انتخابات نمایندگان شوراهای تأمین است. دومین کنگره کشوری شوراهای روسیه اکثریت را به حزب بلشویک ها داد. بدینجهت فقط دولتی که این حزب تشکیل داده است، دولت شوروی است. و همه میدانند که کمیته مرکزی حزب بلشویک ها چند ساعت قبل از تشکیل دولت جدید و قبل از پیشنهاد فهرست اعضاء آن بدومین کنگره کشوری شوراهای روسیه، سه تن از سرشناس ترین اعضاء گروه اس ارهای چپ یعنی رفیق کامکف، اسپیرو و کاره لین را به جلسه خود دعوت نمود و به آنها پیشنهاد کرد در دولت جدید شرکت نمایند. ما بی نهایت متأسفیم که رفقای اس ار چپ از این شرکت استنکاف ورزیدند، ما استنکاف آنان را برای یک فرد انقلابی و طرفدار زحمتکشان غیر مجاز میدانیم، ما در هر موقع حاضریم اس ارهای چپ را در هیئت دولت داخل نمائیم، ولی ما

اعلام میداریم که بعنوان حزبی که در دومین کنگره کشوری شوراهای روسیه اکثریت داشت حق داریم و در قبال مردم موظفیم تشکیل دولت بدهیم.

همه میدانند که کمیته مرکزی حزب ما یک فهرست خالص بلشویکی از اسامی کمیسره‌های خلقی به دومین کنگره کشوری شوراهای روسیه پیشنهاد کرد و کنگره این فهرست اعضاء دولت خالص بلشویکی را تصویب نمود.

بنابراین، اظهار اینکه گویا دولت بلشویکی دولت شوروی نیست کذب محض است و این اظهارات اغواگرانه فقط از دشمنان مردم، فقط از دشمنان قدرت شوروی ناشی بوده و میتواند ناشی باشد. برعکس اکنون، پس از دومین کنگره کشوری شوراهای روسیه، تا زمانیکه کنگره سوم تشکیل شود، یا تا زمانیکه انتخابات شوراهای تجدید گردد و یا دولت جدیدی از طرف کمیته اجرائیه مرکزی تشکیل گردد، فقط دولت بلشویکی میتواند دولت شوروی شناخته شود. رفقا! چند تن از اعضاء کمیته مرکزی حزب ما و شورای کمیسره‌های ملی: کامنف، زینوویف، نوگین، ریکف، میلیوتین و چند تن دیگر دیروز، چهارم نوامبر کمیته مرکزی حزب ما و ۳ نفر اخیر - شورای کمیسره‌های ملی را ترک گفتند. در حزب بزرگی نظیر حزب ما، با وجود خط مشی پرولتاری - انقلابی سیاست ما، باز ممکن نبود رفقای چندی، که ثبات و استقامتشان در امر مبارزه با دشمنان مردم کافی نیست، پدید نگردند. وظائفی که اکنون در برابر حزب ما قرار دارد حقیقتاً برون از اندازه و دشواریها هم عظیم است - اینست که چند تن از اعضاء حزب ما که قبلاً مقامهای مسئولیت داری را اشغال کرده بودند در مقابل فشار بورژوازی بخود لرزیدند و از میان ما گریختند. تمام بورژوازی و تمام دستیاران وی از این موضوع در وجد و شغفند، موزیانه شادی میکنند، دولت بلشویکی را از هم پاشیده اعلام میدارند و نابودی آنرا پیشگوئی مینمایند.

رفقا! باین اکاذیب باور نکنید. رفقای که کناره جستند، مانند گریزندگان عمل کردند زیرا نه فقط پستهای آنها که به آنان سپرده شده بود ترک گفتند، بلکه به تصمیم صریح کمیته مرکزی حزب ما نیز حاکی از اینکه کناره گیری خود را لااقل تا اتخاذ تصمیم از طرف سازمانهای حزبی پطروگراد و مسکو عقب اندازند پشت پا زدند. ما این گریزپائی را جداً تقبیح مینمائیم. ما اطمینان کامل داریم که کلیه کارگران، سربازان و دهقانان آگاهی که به حزب ما تعلق دارند یا هوادار آن هستند نیز عمل گریزندگان را با همین قطعیت تقبیح خواهند کرد.

ولی ما اظهار میداریم که این عمل گریز چند تن از سران حزب ما حتی یک لحظه و بقدر سر موئی وحدت توده هائی را که از حزب ما پیروی میکنند متزلزل نخواهد ساخت و بالنتیجه حزب ما را نیز دچار تزلزل نخواهد نمود.

رفقا، بیاد آورید که دو تن از این گریزندگان: کامنف و زینوویف در همان آستانه قیام

پطروگراد، همچون فراریان و پیکار شکنان عمل کردند، زیرا آنها نه فقط در جلسه قطعی کمیته مرکزی مورخه دهم اکتبر سال ۱۹۱۷ علیه قیام رأی دادند، بلکه پس از اتخاذ تصمیم کمیته مرکزی نیز در مقابل کارمندان حزبی بر ضد قیام تبلیغ میکردند. همه میدانند که در آهنگام روزنامه هائی که می ترسیدند جانب کارگران را بگیرند و بیشتر بسوی بورژوازی گرایش داشتند (مثلاً «نویا ژیزن»)، باتفاق کلیه مطبوعات بورژوازی درباره «از هم پاشیدگی» حزب ما، درباره «عقیم ماندن قیام» و غیره چه جار و جنجال براه انداختند. ولی زندگی بسرعت بطلان اکاذیب و بهتانهای یک دسته و تردید و تزلزل و جبن دسته دیگر را ثابت نمود. «طوفانی» که قصد داشتند، بمناسبت اقدامات کامنف و زینوویف در مورد عقیم گذاشتن قیام پطروگراد، برپای دارند طوفانی در استکان آب شد و اعتلای عظیم توده ها، قهرمانی عظیم میلیونها کارگر، سرباز و دهقان در پطروگراد و مسکو، در جبهه، در سنگرها و در دهات، گریزندگان را با همان سهولتی بکنار انداخت که قطار راه آهن خس و خاشاک را به اطراف پرتاب مینماید.

بگذار کلیه کم باوران، کلیه متزلزلین، کلیه شکاکین، کلیه کسانیکه خود را تسلیم وحشت از بورژوازی نموده اند یا تحت تأثیر فریادهای دستیاران مستقیم و غیر مستقیم وی قرار گرفته اند سر خجلت بزیر افکنند. سایه ای هم از تزلزل در بین توده های کارگران و سربازان پطروگراد، مسکو و غیره وجود ندارد. حزب ما متفکانه و ثابت قدمانه، چون تن واحد قدرت حاکمه شوروی، منافع کلیه زحمتکشان و مقدم بر همه کارگران و دهقانان تهیدست را پاسداری میکند! جماعتی از قلمفروشان بورژوا و افرادی که خود را تسلیم وحشت از بورژوازی نموده اند، هم آواز ما را متهم میکنند باینکه بی گذشتیم، آشتی ناپذیریم و نمیخواهیم حزب دیگری را در قدرت حاکمه شریک نمائیم. این راست نیست، رفقا! ما به اس ارهای چپ پیشنهاد کرده ایم و پیشنهاد میکنیم که در قدرت حاکمه با ما شریک باشند. گناه ما نیست اگر آنها استنکاف ورزیده اند. ما مذاکرات را شروع کردیم و پس از متفرق شدن کنگره دوم شوراهای، در جریان این مذاکرات هرگونه گذشتی قائل شدیم، تا آنجا که با ورود نمایندگان قسمتی از دومای شهر پطروگراد هم موافقت مشروط نمودیم؛ و حال آنکه این دوما لانه کورنیلفی هاست و هر آینه این کورنیلفی های دون فطرت، نور چشمی های سرمایه داران و ملاکان یعنی یونکرها در صدد ابراز مقاومت در برابر اراده مردم برآیند، چنانچه یکشنبه گذشته در پطروگراد در صدد بر آمدند و باز هم قصد این عمل را دارند (اینموضوع با کشف توطئه پوریشکویچ و کاغذهایی که دیروز، سوم نوامبر، نزد او بدست آمده، بثبوت رسیده است) _ آنگاه مردم در اولین وهله بساط این دوما را برخواهند چید. ولی آقایانیکه در پشت سر اس ارهای چپ ایستاده اند و بتوسط آنها بنفع بورژوازی عمل میکنند، این گذشت ما را به ضعف ما تعبیر نمودند و از آن برای دادن اتمام حجت های جدیدی به ما استفاده کردند. در جلسه مشاوره سوم نوامبر آقایان

آبرامویچ و مارتف حاضر شدند و به ما چنین اتمام حجت نمودند: مادامکه دولت ما بازداشت افراد و توقیف روزنامه های بورژوائی را موقوف نکرده، هیچ مذاکره ای صورت نخواهد گرفت. هم حزب ما و هم کمیته اجرائیه مرکزی کنگره شوراها از اجرای این اتمام حجت که آشکارا از هواداران کالدین، بورژوازی، کرنسکی و کورنیلف منشاء میگیرد، امتناع ورزیدند. توطئه پوریشکویچ و پیدایش هیئت نمایندگی بخشی از سپاه هفدهم که روز ۵ نوامبر به پتروگراد وارد شدند و ما را به لشکرکشی علیه پتروگراد تهدید نمودند (تهدید مضحک، زیرا دسته های جلودار این کورنیلفی ها هم اکنون شکست خورده و در حوالی گاتچینا راه هزیمت در پیش گرفته اند و قسمت اعظم آنان هم از اقدام برضد شوراها استنکاف ورزیده اند) - همه این حوادث نشان داد که اتمام حجت آقایان آبرامویچ و مارتف عملاً از کجا منشاء میگرفت و این افراد عملاً به چه کسانی خدمت مینمودند.

بگذار تمام زحمتکشان خاطرجمع و مطمئن باشند! حزب ما هرگز به اتمام حجت اقلیت شوراها تن در نخواهد داد، اقلیتی که خود را تسلیم وحشت از بورژوازی نموده است و در واقع و عملاً علی رغم «نیات حسنه» خود، همچون عروسکی در دست کورنیلفی ها بازی میکند.

ما با استواری تمام از پرنسیب قدرت حاکمه شوروی یعنی قدرت حاکمه اکثریتی که در آخرین کنگره شوراها بدست آمده است دفاع میکنیم، ما موافق بودیم و کماکان موافقیم اقلیت شوراها را در قدرت حاکمه شرکت دهیم ولی بدین شرط که این اقلیت صادقانه و شرافتمندانه تعهد نماید از اکثریت اطاعت کند و برنامه مصوبه از طرف تمام دومین کنگره کشوری شوراها را که حاکی از پیشروی تدریجی ولی پیشروی با عزم راسخ و بلاانحراف بسوی سوسیالیسم است، اجرا نماید. ولی ما به هیچگونه اتمام حجت گروههای ناچیز روشنفکرانی که توده ها در پشت آنان نایستاده و در واقع فقط کورنیلفی ها و ساونکوفی ها و یونکرها و غیره در پشت آنها ایستاده اند، تابع نخواهیم شد.

بگذار تمام زحمتکشان خاطرجمع و مطمئن باشند! حزب ما، حزب اکثریت شوروی، همبسته و هم پیوسته پاسدار منافع آنانست و مانند سابق میلیونها کارگر در شهرها، سرباز در سنگرها و دهقان در دهات آماده اند بهر قیمتی شده به پیروزی صلح، به پیروزی سوسیالیسم جامعه عمل ببوشانند!

تاریخ نگارش: ۵-۶ (۱۸-۱۹) نوامبر

سال ۱۹۱۷.

تاریخ انتشار: ۲۰_ (۷) نوامبر سال ۱۹۱۷

در روزنامه «پراودا»، شماره ۱۸۲.

۱۹- اتحاد کارگران با دهقانان

زحمتکش و استثمار شونده

نامه به هیئت تحریریه «پراودا»

امروز، شنبه ۱۸ نوامبر، هنگامیکه لازم آمد در کنگره دهقانان سخن گویم، در حضور عموم از من سئوالی شد که بلافاصله هم بدان جواب دادم. ضروری است سئوالی که شده و جواب من به آن بی درنگ باطلاع همه کسانی که خواندن می توانند برسد، زیرا در عین اینکه صحبت من ظاهراً فقط از طرف شخص من بود، در ماهیت امر از طرف تمام حزب بلشویک ها سخن میگفتم.

مطلب از این قرار بود.

من در نطق خود، ضمن آنکه به موضوع اتحاد کارگران بلشویک با اس ارهای چپ که اکنون مورد اعتماد بسیاری از دهقانان هستند، پرداخته بودم. ثابت میکردم که این اتحاد میتواند یک «ائتلاف شرافتمندانه»، یک اتحاد شرافتمندانه باشد، زیرا بین مصالح کارگران مزدور و مصالح دهقانان زحمتکش و استثمار شونده اختلاف اساسی وجود ندارد. سوسیالیسم کاملاً میتواند مصالح هر دوی آنها را تأمین نماید. فقط سوسیالیسم میتواند مصالح آنها را تأمین نماید. از اینجا است امکان و ضرورت «ائتلاف شرافتمندانه» بین پرولتارها و دهقانان زحمتکش و استثمار شونده. بالعکس «ائتلاف» (اتحاد) بین طبقات زحمتکش و استثمار شونده از یکطرف و بورژوازی از طرف دیگر، بعلت اختلاف اساسی بین مصالح این طبقات نه میتواند یک «ائتلاف شرافتمندانه» باشد.

من گفتم: فرض کنید که بلشویکها در هیئت دولت در اکثریت و اس ارهای چپ در اقلیت باشند. حتی فرض کنید که فقط یک اس ار چپ و آنهم کمیسر کشاورزی باشد. آیا بلشویکها در چنین صورتی میتوانند ائتلاف شرافتمندانه ای را عملی دارند؟

می توانند، زیرا بلشویکها بعلت آشتی ناپذیری خود در مبارزه با عناصر ضد انقلابی (و از آن جمله با اس ارهای راست و دفاع طلبان) موظفند هنگام اخذ رأی در باره مسائل مربوط به مواد صرفاً اس اری برنامه زمین، که در دومین کنگره کشوری شوراهای روسیه بتصویب رسیده است. ممتنع بمانند. از این قبیل است مثلاً ماده مربوط به برابری در استفاده از زمین و تجدید تقسیم زمین بین خورده مالکین.

بلشویکها با امتناع از رأی دادن به چنین ماده ای سرسوزنی هم از برنامه خود انحراف

نمیورزند، زیرا در صورت پیروزی سوسیالیسم (کنترل کارگری در فابریکها و سپس سلب مالکیت آنها، ملی کردن بانکها، تشکیل شورای عالی اقتصادی برای تنظیم کلیه امور اقتصاد ملی کشور) کارگران موظفند با اقدامات مربوط به دوران انتقال، که از طرف دهقانان خرده پای زحمتکش و استثمار شونده پیشنهاد میشود، در صورت بی زیان بودن این اقدامات برای امر سوسیالیسم، موافقت نمایند. من گفتم - کائوتسکی هم زمانیکه هنوز مارکسیست بود (در سالهای ۱۸۹۹-۱۹۰۹) بکرات تصدیق میکرده که اقدامات دوران انتقال به سوسیالیسم نمیتواند در کشورهای دارای زراعت بزرگ و کشورهای دارای زراعت کوچک یکسان باشد.

ما بلشویکها موظف خواهیم بود در شورای کمیسرهای ملی یا در کمیته اجرائیه مرکزی هنگام اخذ رأی در باره چنین ماده ای ممتنع بمانیم، زیرا در صورتیکه اس ارهای چپ (و همچنین دهقانانی که طرفدار آنها هستند) با کنترل کارگری و ملی کردن بانکها و غیره موافقت نمایند، آنگاه موضوع برابری در استفاده از زمین فقط یکی از اقدامات دوران انتقال به سوسیالیسم کامل خواهد بود. تحمیل این اقدامات انتقالی از طرف پرولتاریا، عمل بی معنائی خواهد بود؛ پرولتاریا موظف است، بخاطر پیروزی سوسیالیسم، در مورد انتخاب این اقدامات انتقالی در حق دهقانان زحمتکش و استثمار شونده گذشت قائل شود، زیرا این قبیل اقدامات بامر سوسیالیسم زیانی نخواهد رساند.

در آن موقع یکی از اس ارهای چپ (که اگر اشتباه نکنم رفیق فئوفیلاکتف بود) از من سؤال زیر را نمود:

«اگر در مجلس مؤسسان دهقانان بخواهند قانون برابری در استفاده از زمین را بگذرانند، بورژوازی در جبهه مخالف دهقانان قرار گیرد و اتخاذ تصمیم هم منوط به رأی بلشویکها باشد، بلشویکها چگونه رفتار خواهند کرد؟».

در جواب گفتم: اتحاد کارگران با دهقانان زحمتکش و استثمار شونده حزب پرولتاریا را موظف میکند، در صورتیکه امر سوسیالیسم در نتیجه برقراری کنترل کارگری، ملی کردن بانکها و غیره تأمین باشد، علیه بورژوازی برله دهقانان رأی دهد. بلشویکها، بعقیده من در چنین صورتی حق خواهند داشت هنگام رأی دادن نظر مخصوص خود را اظهار دارند، عدم موافقت خود و غیره را قید کنند ولی ممتنع ماندن، در چنین صورتی، معنایش خیانت ورزیدن به متفقین خود در مبارزه برای سوسیالیسم، بخاطر اختلاف خصوصی با آنان خواهد بود. بلشویکها در چنین وضعی هرگز به دهقانان خیانت نخواهند کرد. برابری در استفاده از زمین و اقدامات نظیر آن، در صورتیکه قدرت حاکمه در دست دولت کارگری و دهقانان باشد، در صورتیکه کنترل کارگری و ملی کردن بانکها عملی شده باشد و مؤسسه عالی اقتصادی کارگری و دهقانی که کلیه اقتصاد ملی و غیره را هدایت مینماید (تنظیم مینماید) ایجاد شده

باشد، هرگز برای سوسیالیسم زیانبخش نخواهد بود.

این بود جواب من.

تاریخ نگارش: ۱۸ نوامبر (۱ دسامبر) سال ۱۹۱۷.

تاریخ انتشار: ۲ دسامبر (۱۹ دسامبر) سال ۱۹۱۷.

در روزنامه «پراودا» شماره ۱۹۴.

بامضاء ن لینن.

۲۰. تزه‌های مربوط به مجلس مؤسسان

۱. خواست مربوط به دعوت مجلس مؤسسان در برنامه سوسیال دموکراسی انقلابی، کاملاً مشروع بود، بسبب آنکه در جمهوری بورژوازی مجلس مؤسسان عالیترین شکل دموکراتیسم است و نیز بسبب آن که جمهوری امپریالیستی تحت ریاست کرنسکی، هنگام تشکیل پارلمان، بوسیله یک سلسله نقض اصول دموکراسی برای جعل در انتخابات تدارک میدید.

۲. سوسیال دموکراسی انقلابی، در همان حالیکه خواستار تشکیل مجلس مؤسسان بود، از همان آغاز انقلاب ۱۹۱۷ بکرات خاطرنشان می ساخت که جمهوری شوراها نسبت به جمهوری معمولی بورژوازی دارای مجلس مؤسسان شکل عالیتری از دموکراتیسم است.

۳. جمهوری شوراها نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان، برای انتقال از نظام بورژوازی به نظام سوسیالیستی و نیز برای دیکتاتوری پرولتاریا، نه تنها شکلی از نوع عالیتر مؤسسات دموکراتیک است (نسبت به جمهوری معمولی بورژوازی که مجلس مؤسسان بر تارک آن قرار دارد)، بلکه یگانه شکلی است که میتواند انتقال به سوسیالیسم را به بیدردترین نحوی تأمین نماید.

۴. در انقلاب ما، دعوت مجلس مؤسسان از روی فهرستی که در نیمه اکتبر سال ۱۹۱۷ عرضه شده است، در شرایطی انجام می یابد که امکان نمیدهد مردم بطور اعم و توده های زحمتکش بطور اخص اراده خود را بوسیله انتخابات این مجلس مؤسسان بطرز صحیحی ابراز دارند.

۵. اولاً سیستم تناسبدار انتخابات فقط زمانی ترجمان حقیقی اراده مردم است که فهرست های حزبی با تقسیم بندی واقعی مردم به آن گروههای حزبی که در این فهرست ها منعکس شده است، تطبیق نماید. و اما در اینجا، چنانکه میدانیم، حزبی که از ماه مه تا اکتبر بیش از همه در بین مردم و بویژه در بین دهقانان هوادار داشت یعنی حزب سوسیالیست - رولوسیونرها، در نیمه اکتبر سال ۱۹۱۷ فهرست های واحدی برای انتخابات مجلس مؤسسان

داد، ولی این حزب پس از انتخابات مجلس مؤسسان و قبل از اینکه این مجلس دعوت شود، منسحب گردید.

بدینجهت حتی از نظر صوری هم ارادهٔ انتخاب کنندگان من حیث المجموع با ترکیب انتخاب شدگان به مجلس مؤسسان مطابقتی ندارد و نمیتواند داشته باشد.

۶. ثانیاً علت دیگر و مهمتر عدم مطابقت بین ارادهٔ مردم و بویژه طبقات زحمتکش از یک طرف و ترکیب نمایندگان مجلس مؤسسان از طرف دیگر، علتی که جنبهٔ صوری یا قضائی نداشته بلکه جنبهٔ اجتماعی - اقتصادی و طبقاتی دارد، این نکته است که انتخابات مجلس مؤسسان هنگامی صورت گرفت که اکثریت قاطع مردم هنوز نمی توانستند تمام دامنه و اهمیت انقلاب شوروی، انقلاب پرولتاری - دهقانی اکتبر را که از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷، یعنی پس از ارائهٔ فهرست های نامزدهای نمایندگی مجلس مؤسسان، آغاز گردیده است، دریابند.

۷. انقلاب اکتبر که قدرت حاکمه را برای شوراها متصرف گردیده است، با برون کشیدن سیادت سیاسی از چنگ بورژوازی و سپردنش بدست پرولتاریا و دهقانان تهیدست در برابر دیدگان ما مراحل متوالی تکامل خود را می گذراند.

۸. این انقلاب با پیروزی ۲۴-۲۵ اکتبر در پایتخت آغاز گردید، و این هنگامی بود که دومین کنگرهٔ کشوری نمایندگان کارگران و سربازان روسیه - این پیش آهنگ پرولتاریا و از لحاظ سیاسی موثرترین بخش دهقانان - تفوق را به حزب بلشویک ها داد و این حزب را بر مسند قدرت نشاند.

۹. انقلاب سپس در جریان ماههای نوامبر و دسامبر تمام تودهٔ ارتش و دهقانان را فرا گرفت و قبل از هر چیز بصورت برکنار نمودن و تجدید انتخابات سازمانهای بالائی قدیمی (کمیته های ارتشی، کمیته های ایالتی دهقانی، کمیتهٔ اجرائیهٔ مرکزی، شورای کشوری نمایندگان دهقانان روسیه و غیره) متظاهر گردید که مبین دورهٔ سپری شده یا سازشکارانهٔ انقلاب و مرحلهٔ بورژوائی آن بودند نه مرحلهٔ پرولتاری و بهمین جهت هم ناگزیر می بایست در زیر فشار، توده های عمیقتر و وسیعتر مردم صحنه را ترک گویند.

۱۰. این جنبش نیرومند توده های استثمار شونده برای ایجاد مجدد ارگانهای رهبری سازمانهای خود هنوز هم که نیمهٔ دسامبر سال ۱۹۱۷ است، پایان نرسیده و کنگرهٔ ناتمام راه آهن یکی از مراحل آنست.

۱۱. بنابراین گروهبندی نیروهای طبقاتی روسیه ضمن مبارزهٔ طبقاتی آنان، طی ماههای نوامبر و دسامبر سال ۱۹۱۷ عملاً و از لحاظ اصولی غیر از آنست که ممکن بود در فهرست های حزبی نامزدهای نمایندگان مجلس مؤسسان نیمه اکتبر سال ۱۹۱۷ متظاهر گردد.

۱۲. حوادث اخیر در اوکراین (و تا اندازه ای هم در فنلاند و بلوروسی و همچنین در

قفقاز) ایضاً دال بر گروه بندی جدید نیروهای طبقاتی است که در پروسه مبارزه بین ناسیونالیسم بورژوازی رادای (۱۸*) اوکرائین، مجلس فنلاند و غیره از یک طرف و قدرت حاکمه شوروی یا انقلاب پرولتاری – دهقانی هر یک از این جمهوری های ملی از طرف دیگر، بوجود می آید.

۱۳. بالاخره، جنگ داخلی که با شورش ضد انقلابی کادتی – کالدینی بر ضد مقامات شوروی و بر ضد حکومت کارگری و دهقانی آغاز شده است، مبارزه طبقاتی را حدت قطعی داده و هرگونه امکانی را برای حل شکلاً دموکراتیک حادثترین مسائلی که تاریخ در برابر ملل روسیه و در وهله اول در برابر طبقه کارگر و دهقانان این کشور قرار داده از بین برده است.

۱۴. فقط غلبه کامل کارگران و دهقانان بر قیام بورژوازی و ملاکین (که به صورت جنبش کادتی – کالدینی جلوه گر شده است) و فقط سرکوب جنگی بی امان این قیام برده داران قادر است انقلاب پرولتاری – دهقانی را عملاً تأمین نماید. سیر حوادث و تکامل مبارزه طبقاتی در جریان انقلاب منجر به آن شد که شعار «تمام قدرت بدست مجلس مؤسسان»، شعاری که فتوحات انقلاب کارگری – دهقانی یا حکومت شوروی و تصمیم دومین کنگره کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه و دومین کنگره کشوری نمایندگان دهقانان روسیه و غیره را بحساب نمی آورد، عملاً به شعار کادتها و کالدینی ها و دستیاران آنها بدل گردد. برای تمام مردم واضح میشود که معنی این شعار فی الواقع مبارزه در راه از میان برداشتن حکومت شوروی است، و نیز واضح میشود که هر آینه مجلس مؤسسان با حکومت شوروی اختلاف نظر داشته باشد، ناچار به مرگ سیاسی محکوم خواهد بود.

۱۵. از جمله مسائل بسیار حاد زندگی مردم مسئله صلح است. مبارزه واقعاً انقلابی در راه صلح در روسیه فقط پس از پیروزی انقلاب ۲۵ اکتبر آغاز گردید و این پیروزی نخستین ثمرات خود را بصورت انتشار قراردادهای سری، انعقاد متارکه و شروع مذاکرات علنی در باره صلح همگانی بدون الحاق طلبی و غرامات، ببار آورده است.

توده های وسیع مردم فقط اکنون عملاً بطور کامل و آشکارا امکان یافته اند سیاست مبارزه انقلابی در راه صلح را مشاهده نمایند و نتایج آنرا بررسی کنند.

هنگام انتخابات مجلس مؤسسان توده های مردم از این امکان محروم بودند.

روشن است که از این جانب قضیه نیز موضوع عدم مطابقت میان ترکیب منتخبین مجلس مؤسسان و اراده واقعی مردم در مورد مسئله خاتمه جنگ امری ناگزیر است.

۱۶. از مجموع نکات مذکور این نتیجه بدست می آید که مجلس مؤسسانی که به موجب فهرست های احزابی فرا خوانده شود، که قبل از انقلاب پرولتاری – دهقانی و در شرایط سلطه بورژوازی وجود داشته اند، ناچار با اراده و منافع طبقات زحمتکش و استثمار شونده، که در

۲۵ اکتبر به انقلاب سوسیالیستی علیه بورژوازی دست زده اند، تصادم می یابد. طبیعی است که منافع این انقلاب مافوق حقوق صوری مجلس مؤسسان قرار دارد، حتی اگر این حقوق صوری، بعلت اینکه در قانون مجلس مؤسسان حق تجدید انتخاب نمایندگان برای مردم در هر موقع منظور نشده است، لطمه دار نمیشد.

۱۷. هر گونه تشبث، مستقیم یا غیر مستقیم، بمنظور اینکه بموضوع مجلس مؤسسان از جنبه صوری قضائی، در قالب دموکراسی عادی بورژوازی و بدون در نظر گرفتن مبارزه طبقاتی و جنگ داخلی نگریسته شود خیانت براه پرولتاریا و پیوستن بنظریه بورژوازی است. بر حذر داشتن همه و هر کس از این اشتباهی که معدودی از سران بلشویسم، بعلت عدم توانائی در ارزیابی قیام اکتبر و وظایف دیکتاتوری پرولتاریا بدان دچار میشوند، وظیفه بلاشرط سوسیال دموکراسی انقلابی است.

۱۸. یگانه شانس برای حل بدون درد بحرانی که در نتیجه عدم مطابقت انتخابات مجلس مؤسسان با اراده مردم و همچنین با منافع طبقات زحمتکش و استثمار شونده بوجود آمده است، عبارتست از اجرای هر چه وسیعتر حق تجدید انتخابات اعضاء مجلس مؤسسان از طرف مردم و پیوستن خود مجلس مؤسسان به قانون صادره از طرف کمیته اجرائیه مرکزی در باره این تجدید انتخابات و اعلام بلاقید و شرط شناسائی حکومت شوروی. انقلاب شوروی و سیاست آن در مورد مسئله صلح، زمین و کنترل کارگری از طرف مجلس مؤسسان و پیوستن قطعی مجلس مؤسسان به قرارگاه مخالفین ضد انقلاب کادتی - کالدینی.

۱۹. در غیر این شرایط، بحرانی که بمناسبت مجلس مؤسسان بوجود آمده است فقط از طریق انقلاب حل خواهد شد یعنی از طریق اقدامات انقلابی بینهایت مجدانه، سریع، محکم و قطعی حکومت شوروی علیه ضد انقلاب کادتی - کالدینی، اعم از اینکه این ضد انقلاب خود را در زیر هر شعار و یا مؤسسه ای (ولو عضویت مجلس مؤسسان) مستور ساخته باشد. هر گونه تلاشی برای بستن دست حکومت شوروی در این مبارزه بمنزله همدستی با ضد انقلاب خواهد بود.

تاریخ نگارش: ۱۲ - (۲۵) دسامبر سال ۱۹۱۷.

تاریخ انتشار: ۲۶ - (۱۳) دسامبر سال ۱۹۱۷.

در روزنامه «پراودا». شماره ۲۱۳.

۲۱- طرح فرمان مربوط با اجرای

ملی کردن بانکها و

اقداماتیکه بدینمناسبت

ضروریست

وضع بحرانی خوابار و تهدید قحطی که در نتیجه سفته بازی، کارشکنی سرمایه داران و مستخدمین دولتی و ایضاً در نتیجه فروپاشیدگی عمومی پدید آمده است، اقدامات انقلابی فوق العاده ای را برای مبارزه با این آفت ضروری میسازد.

بمنظور اینکه تمام افراد کشور و در وهله اول تمام طبقات زحمتکش، تحت رهبری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان خویش بتوانند بیدرنگ و از هر سو، بی آنکه از چیزی فرو گذار کنند و با انقلابی ترین طرزی، دست بکار چنین مبارزه ای شوند و بزندگی اقتصادی کشور سر و صورت صحیحی بدهند، مقررات زیرین وضع میگردد:

طرح فرمان مربوط

با اجرای ملی کردن بانکها و اقداماتیکه

بدینمناسبت ضروریست

۱. کلیه بنگاه های سهامی در تملک دولت اعلام میگرددند.
۲. اعضاء هیئت مدیره و مدیران شرکتهای سهامی و نیز کلیه سهامدارانیکه از طبقات ثروتمند هستند (یعنی کسانیکه جمعاً بیش از ۵۰۰۰ روبل دارائی و یا متجاوز از ۵۰۰ روبل عایدی ماهیانه دارند) موظفند با کمال نظم به اداره امور بنگاه ها ادامه داده قانون کنترل کارگری را اجرا کنند و تمام سهام را به بانک دولتی ارائه دهند و گزارش هفتگی عملیات خود را به شوراهای محلی نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان تسلیم نمایند.
۳. وامهای دولتی، اعم از خارجی و داخلی لغو میگردد.
۴. منافع دارندگان خرده پای برگهای وام و هرگونه سهام یعنی منافع دارندگانی که خود از طبقات زحمتکش اهالی هستند تماماً تأمین میگردد.
۵. کار موظف همگانی معمول میگردد. کلیه افراد کشور اعم از مرد و زن از ۱۶ تا ۵۵ سالگی موظف بانجام کارهائی هستند که از طرف شوراهای محلی نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان یا سایر ارگانهای حکومت شوروی معین خواهد شد.
۶. بمشابه نخستین گام در راه معمول داشتن کار موظف همگانی، مقرر میگردد که افراد

متعلق به طبقات ثروتمند (رجوع شود به بند ۲) باید دفاتر مصرف و کارکرد یا دفاتر بودجه و کارکرد داشته و بدرستی در آن عمل نمایند. این دفاتر باید هر هفته برای ثبت کار اجرا شده ایکه هر کس بعهده گرفته به سازمانهای کارگری مربوط یا شوراهای محلی و ارگانهای آنها گردد.

۷. بمنظور تأمین حساب و توزیع صحیح خواربار و نیز سایر محصولات ضروری، تمام افراد کشور موظفند به یکی از شرکتهای مصرف بپیوندند. دوائر خواربار، کمیته های تدارکات و سایر سازمانهای نظیر و نیز اتحادیه های راه آهن و حمل و نقل تحت رهبری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان اجرای این قانون را کنترل خواهند نمود. افراد متعلق به طبقات ثروتمند موظفند بخصوص در مورد سازمان دادن و اداره امور شرکتهای مصرف کارهائیرا که از طرف شوراها بعهده آنها محول میگردد اجرا نمایند.

۸. اتحادیه های کارگران و کارمندان راه آهن موظفند برای دادن سر و سامان صحیحتری به حمل و نقل و بویژه برای رساندن خواربار، سوخت و سایر مواد دارای حداکثر ضرورت، در اسرع اوقات به تعیین اقدامات فوق العاده ای پرداخته بیدرنگ دست بکار اجرای آن شوند و در این امر مقدم بر همه از سفارشات و جوازهای شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و سپس از مؤسساتی که از طرف شوراها اختیارات تامه دارند و نیز از شورای عالی اقتصاد ملی پیروی نمایند.

و نیز به عهده اتحادیه های راه آهن است که ضمن همکاری با شوراهای محلی با نهایت جدیت و بدون فروگذاری از اقدامات انقلابی، برضد قاچاق آذوقه مبارزه نموده و هر سفته بازی را بی امان تحت تعقیب قرار دهند.

۹. سازمانهای کارگری، اتحادیه های کارمندان و شوراهای محلی موظفند بدون دفع الوقت بنگاههایی را که تعطیل و از حالت نظامی خارج می شوند و نیز بیکاران را به کارهای مفید و تولید مواد ضروری مشغول سازند و در جستجوی سفارش و مواد خام و سوخت باشند. اتحادیه ها و شوراهای محلی مکلفند بدون اینکه بهیچوجه این عمل و همچنین اقدام به مبادله محصولات روستائی با محصولات شهری را به دریافت فرامین مخصوصی از بالا موکول سازند، جداً از دستورات شورای عالی اقتصاد ملی پیروی نمایند.

۱۰. افراد متعلق به طبقات ثروتمند موظفند کلیه موجودی نقدی خود را در بانک دولتی و شعبات آن و یا در صندوقهای پس انداز نگاهدارند و برای رفع نیازمندیهای مصرفی خود هر هفته حداکثر ۱۰۰-۱۲۵ روبل (بنابنظر شوراهای محلی) و برای رفع نیازمندیهای تولیدی و بازرگانی هم فقط طبق گواهی کتبی مؤسسات کنترل کارگری دریافت دارند.

بمنظور نظارت بر اجرای واقعی این قانون مقرراتی برای تعویض اسکناس رایج فعلی وضع

خواهد شد و کسانی که به فریب دولت و مردم متوسل شوند کلیه اموالشان ضبط خواهد شد. ۱۱. برای متخلفین از این قانون و خرابکاران و مأمورینی که اعتصاب کنند و برای سفته بازان نیز همین کیفر و همچنین مجازات زندان یا اعزام به جبهه و کار اجباری مقرر میگردد. شوراهای محلی و مؤسسات وابسته به آنها موظفند بدون دفع الوقت انقلابی ترین تدابیر را برای مبارزه علیه این دشمنان واقعی مردم اتخاذ نمایند.

۱۲. اتحادیه های کارگری و سایر سازمانهای زحمتکش، بهمکاری با شوراهای محلی، بمنظور مراقبت در اجرای این قانون و نیز بمنظور واریسی کمی و کیفیت کار و جلب متخلفین یا طفره زنان از قانون به دادگاه های انقلابی، گروههای سیاری از بازرسان با شرکت مطمئنترین افرادی که از طرف سازمانهای حزبی و دیگر سازمانها توصیه شده باشند، تشکیل خواهند داد. کارگران و کارمندان بنگاههای ملی شده موظفند تمام مساعی خود را بکار برده برای بهبود سازمان کار، تحکیم انضباط و ارتقاء بهره دهی کار به اقدامات فوق العاده ای دست زنند. ارگانهای کنترل کارگری باید هر هفته گزارش کارهایی را که در این زمینه انجام یافته به شورای عالی اقتصاد ملی تسلیم دارند. کسانی که در این امر مرتکب قصور و اهمال گردند به دادگاه انقلابی جلب خواهند شد.

تاریخ نگارش: نیمه اول دسامبر سال ۱۹۱۷.

برای نخستین بار در سال ۱۹۱۸ در مجله

«اقتصاد ملی» شماره ۱۱ به چاپ رسید.

* زیرنویس

(۱۸*) رادا - نام ارگانهای مرکزی سازمانهای ضد انقلابی ناسیونالیست های بورژوازی در اوکراین و بلوروسی طی سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۹ ه. ت.

* توضیحات

(۲۴۵) دومین کنگره کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه - در ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) سال ۱۹۱۷ در ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر در کاخ اسمولنی افتتاح یافت. از ۶۴۹ نماینده کنگره ۳۹۰ نفر بلشویک بودند. از شوراهای ایالتی ۳۱۸ نماینده در کنگره شرکت داشتند. نمایندگان اعزامی ۲۴۱ شورا با دستورنامه های بلشویکی به کنگره آمده بودند. منشویکها و اس ارهای راست و بوندیها بعد از افتتاح کنگره، آنرا ترک کردند و از برسمیت شناختن انقلاب سوسیالیستی امتناع ورزیدند. کنگره شوراهای پیام خطاب «به کارگران، سربازان و دهقانان» را که لنین نوشته بود تصویب کرد. مسائل اساسی مطروحه در کنگره عبارت بود از:

تأسیس دولت شوروی و تصویب منشور صلح و فرمان زمین. لنین درباره مسئله صلح و زمین سخنرانی نمود.

کنگره دوم شوراها منتقل شدن قدرت حاکمه بدست شوراها را اعلام داشت و منشور صلح و فرمان زمین و تشکیل نخستین دولت شوراها یعنی شورای کمیسرهاى ملی را تصویب نمود. لنین بریاست شورای کمیسرهاى ملی و استالین بعنوان کمیسر ملی امور ملیتها انتخاب گردید. کنگره مزبور کمیته اجرائیه مرکزی روسیه را مرکب از ۱۰۱ نفر انتخاب کرد که در آن: ۶۲ بلشویک، ۲۹ اس ار چپ و غیره شرکت داشتند. کنگره روز ۲۷ اکتبر (۹ نوامبر) سال ۱۹۱۷ در ساعت ۵ و ۱۵ دقیقه صبح خاتمه یافت.

(۲۴۶) زمینهای تیول و سلطنتی، زمینهای بود متعلق به افراد خانواده تزار. زمینهای پوسیون - زمینهای بود که دولت تزاری در اختیار صاحبان فابریک ها و کارخانه ها میگذارد تا بین دهاقینی تقسیم شود که فقط در برابر دریافت این حصه زمین در این کارخانه ها و فابریکها کار میکردند.

- زمینهای ماژورات - املاک موروثی بزرگی بود که بدون تقسیم شدن از نسلی به نسل دیگر یک طایفه و به فرزند ارشد یا به ارشد طایفه انتقال می یافت.

﴿ادامه دارد. حجت. ب﴾